

جشنواره فیلم مقاومت رویدادی علیه استعمار فرهنگی

جلال غفاری، دبیر هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، در دیدار با فعالان رسانه‌ای از کشورهای روسیه، اوکراین، ترکیه و ارمنستان، بر جایگاه این جشنواره به عنوان تنها فستیوال جهانی با محوریت «حمایت از مظلوم» تأکید کرد. وی هدف این رویداد را تبدیل شدن به رسانه‌ای برای فریاد ستمدیدگان دانست و سینما را مهم‌ترین ابزار

فرهنگی برای انتقال پیام به جهانیان معرفی کرد. وی از تسخیر سینمای جهان توسط قدرت‌های استعماری برای اهداف غیرانسانی انتقاد و سکوت فستیوال‌های معتبر جهانی در قبال کشتار مردم غزه را محکوم کرد. غفاری با افتخار اعلام کرد: بیش از ۵۰۰ اثر بین‌المللی با موضوع غزه و مقاومت به این دوره از جشنواره ارسال شده است. وی همچنین

به تحریف واقعیت‌ها توسط برخی دولت‌ها از طریق سینما اشاره کرد و گفت: برخی قدرت‌ها با سوءاستفاده از سینما، خود را مظلوم جلوه می‌دهند. هدف جشنواره فیلم مقاومت ایجاد فضایی برای شنیده شدن دردهای مظلومان است. وی همچنین نسبت به آینده‌ای مبتنی بر انسانیت، ابراز امیدواری کرد.



زنان قربانی کلیشه‌های سینمایی

سینمای ایران اگرچه به سمت خلق زنان کنشگر حرکت کرده اما در بازنمایی بانوان پیشرو و الهام‌بخش کوتاهی کرده است



امیرحسین غدیری
آکره فرهنگ و هنر

فجر گفت‌وگو کرده‌ایم.

در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر، بازنمایی زنان با دوگانگی قابل تأملی روبه‌رو بود: از یک سو، خلق شخصیت‌های زن کنشگر در ژانرهای تاریخی و اجتماعی و از سوی دیگر، تکرار کلیشه‌های قدیمی قربانی شدن یا تقلیل نقش زنان به ضدقهرمان‌هایی بدون عمق روانی. درحالی‌که آثاری مانند «بازی خونی» و «شمال از جنوب غربی» با معرفی زنان به عنوان محور اصلی درام‌های سیاسی، گامی نوین برداشتند، اکثر فیلم‌های اجتماعی ازجمله «رها» و «ماریا» با سرنوشت تراژیک شخصیت‌های زن، ناخوسته روایتی محدودکننده از عاملیت زنان ارائه کردند. به همین بهانه با دکتر زهرا اردکانی، دکترای علوم ارتباطات و پژوهشگر حوزه زنان و رسانه درباره حضور و بازنمایی زنان در فیلم‌های چهل و سومین جشنواره فیلم



نهایت راهکار و روشی پیش پای

خانواده‌ها بگذارد تا بتوانند همدلی و فهم والدین را

نسبت به جهانی که نوجوان‌ها در حال حاضر در آن سیر می‌کنند، افزایش دهد. از این طریق، این فیلم کوشید فاصله بین نسل‌ها را کاهش دهد و درک والدین را نسبت به نوجوان‌ها بیشتر کند.

تصویر ارائه‌شده از نوجوانان در فیلم‌های جشنواره تا چه حد به واقعیت نزدیک است و امکان برقراری ارتباط مخاطبان نوجوان با آنها وجود دارد؟

تصویری که از نوجوان‌ها در فیلم‌های امسال دیدیم (که در مجموع پنج فیلم نوجوان شامل «داد»، «بچه مردم»، «چشم بادم»، «رها» و «زیبا صدایم کن» بود)، بسیار متنوع و متفاوت است. این تصاویر شباهت چندانی به یکدیگر ندارند. برای مثال فیلم بچه مردم نوجوان‌های دوسه دهه پیش، یعنی دوران جنگ و انقلاب (دهه‌های ۵۰ و ۶۰) را به تصویر می‌کشد. در فیلم رها، نوجوانی شبیه به نوجوان‌های امروزی نشان داده می‌شود که کنشگر است و سعی می‌کند مسائل را به روش خود حل کند. این تصویری است که ما امروز با آن مواجه هستیم. با این حال، نکته ناراحت‌کننده در فیلم رها این است که نوجوان امروزی در نهایت قربانی می‌شود که به نظر من رویکرد مناسبی نسبت به نوجوان‌ها نیست. در فیلم چشم بادمی نیز نوجوان امروزی را می‌بینیم و علایق و سلیق فرهنگی‌اش بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. با این حال به نظر من در این فیلم، اگرچه تلاش شده تا مسائل روز نوجوان‌ها مانند علاقه آنها به موسیقی و فیلم‌های کروی‌ای نشان داده شود اما تصویری که از این علایق و تفریحات ارائه می‌شود، تا حدی اغراق‌آمیز و نامعقول است. در واقعیت، نوجوان‌هایی که به موسیقی‌کی‌پاپ یا هواداری علاقه دارند، به این اندازه نامعقول نیستند. به نظر من، فیلم تصویری بزرگ‌نمایی شده از مشکلات این نوجوان‌ها ارائه می‌دهد. در فیلم داد، با نوجوانی مواجه هستیم که درگیر شرایط و ساختارهای نابرابر، پیچیده و گاه ظالمانه جامعه است. با این حال این نوجوان سعی می‌کند با وجود همه شرایط دشوار، شرافت و معرفت خود را حفظ کند. از این جهت نوجوانی که در این فیلم خلق می‌شود، به نظر من نوجوانی خوب و قابل قبول است.

فیلم‌های نوجوان محور حاضر در جشنواره تا چه حد می‌توانند در افزایش آگاهی نوجوانان و خانواده‌های آنها مؤثر باشند؟

در حوزه نوجوان، به نظر من فیلم‌هایی که امسال دیدیم، اغلب بیشتر برای والدین ساخته شده‌اند تا برای خود نوجوانان. برای مثال، فیلم چشم بادمی که نسبت به بقیه فیلم‌ها دقیق‌تر به مسائل روز نوجوان‌ها می‌پردازد، فیلمی نیست که نوجوان‌ها به‌طور خاص آن را دوست داشته باشند. اساساً این فیلم برای نوجوان‌ها ساخته نشده، بلکه بیشتر برای والدین و سیاستگذاران ساخته شده تا ببینند چگونه باید با این مسائل برخورد کنند. فیلم چشم بادمی به جزئیات و ظرافت‌های مسائل نوجوانان، مانند هواداری از سلبریتی‌ها یا علاقه آنها به چهره‌های مشهور، خیلی عمیق نمی‌پردازد. در عوض، تصویری اغراق‌آمیز و تا حدی وحشتناک از این مسائل ارائه می‌دهد که به نظر من چندان درست نیست. به نظر من فیلم‌های حوزه نوجوان برای این‌که بتوانند نوجوان‌ها را جذب کنند، باید با نگاهی همدلانه‌تر ساخته شوند. به جای نگاه بالا به پایین نسبت

به نوجوان‌ها، باید تلاش کنند به حس و حال، خواسته‌ها و نیازهای آنها نزدیک‌تر شوند و آنها را بهتر درک کنند. این رویکرد می‌تواند باعث شود فیلم‌ها برای نوجوان‌ها جذاب‌تر و قابل تأمل‌تر باشد.



قهرمان‌های زن قدرتمندی خلق کنیم که در پایان فیلم موفق می‌شوند و می‌توانند کارهای بزرگی انجام دهند. این پیشنهاد اول است: خلق چنین زنانی در سینما.

مسئله دوم این است که برخی از فیلم‌ها به مسائل روز زنان می‌پردازند. برای مثال، فیلمی مانند «شوهر ستاره» مجموعه‌ای از موضوعات مرتبط با زنان را در خود جای داده است: از اسیدپاشی گرفته تا مسائل باروری و خوانندگی زنان. این‌که سینما به این مسائل توجه می‌کند، خوب است اما به نظر من پرداخت به این موضوعات اغلب نمایشی و سطحی است. فیلم‌ها نه راه‌حلی برای مشکلات زنان ارائه می‌دهند و نه ریشه‌یابی دقیقی انجام می‌دهند. انگار فقط به این دلیل که این موضوعات در حوزه زنان ترند یا پررنگ است، فیلم‌ها به آنها اشاره می‌کنند، بدون این‌که عمیقاً به آنها بپردازند. به نظر من، اگر قرار است به مشکلات و مسائل روز زنان پرداخته شود، این پرداخت باید در روال داستان پیش برود و راه‌حل‌های خلاقانه‌ای برای آنها پیدا شود. در حالی که این اتفاق در فیلم‌ها نمی‌افتد و فقط شاهد اشارات سطحی و گاه ژورنالیستی به مسائل زنان هستیم. این یکی از مواردی است که به نظر من باید در فیلم‌های آینده بیشتر به آن توجه شود. مسائل زنان باید به‌شکلی عمیق‌تر در داستان‌ها مطرح شود و فیلم‌ها برای آنها ایده‌هایی ارائه دهند. منظورم از راه‌حل، ارائه ایده‌هایی است که نشان دهد چگونه می‌توان این مسائل را حل کرد.

علاوه بر بازنمایی زن و مسائل زنان در جشنواره امسال شاهد استقبال فیلمسازان از موضوعات مربوط به نوجوانان بودیم. به‌نظر شما علت استقبال کارگردانان از ساخت فیلم‌هایی درباره نوجوانان و مشکلات آنها در سال جاری چه بود؟

این نکته در جشنواره امسال بسیار قابل توجه بود که پس از سال‌ها غیبت نوجوانان از سینما، دوباره اقبالی نسبت به پرداختن به مسئله نوجوانان ایجاد شده است. به نظر من، این موضوع تا حد زیادی متأثر از

وقایع اجتماعی چند سال اخیر به‌ویژه وقایع سال ۱۴۰۱ است که نوجوانان را دوباره به مرکز توجه آورده و توجه فیلمسازان را به آنها جلب کرده است. این اتفاق به نظر من بسیار خوب و مهم است.

یکی از مسائل نوجوانان وجود شکاف‌های نسلی است. در جشنواره امسال تا چه حد این‌گونه مسائل مورد توجه قرار گرفته بود؟

در میان فیلم‌های حوزه نوجوان که در این جشنواره مشاهده کردیم، فیلم «چشم بادمی» به مسئله شکاف نسل‌ها و شکاف فرهنگی بین نوجوانان و والدین‌شان به‌طور خاص پرداخت. سایر فیلم‌هایی که در حوزه نوجوان ساخته شده، چندان به موضوع شکاف نسل‌ها توجه نکرده بود اما فیلم چشم بادمی این ویژگی را داشت. نکته ویژه این فیلم این بود که تلاش کرد در

به نظرتان در آثار کدام بخش‌ها از بازنمایی زنان در جشنواره فیلم فجر از کلیشه‌های مرسوم فاصله گرفت و کدام بخش‌ها همچنان در قالب‌های سنتی یا تصویر زن قربانی باقی‌ماند؟

در دو دسته از فیلم‌ها شاهد فاصله گرفتن از تصویر مرسوم زنان هستیم. اولاً در فیلم‌های تاریخی مانند بازی خونی و شمال از جنوب غربی، زن به عنوان ضدقهرمان اصلی داستان ظاهر می‌شود. ثانیاً در فیلم‌هایی که دختران جوان سعی می‌کنند کنشگر و انتخابگر باشند، معمولاً در نهایت به موفقیت چندانی نمی‌رسند و اغلب قربانی می‌شوند. برای مثال، در فیلم «ماریا»، دختری که تلاش می‌کند انتخابگر باشد و زندگی شخصی خود را بسازد و به رویاهایش جامه عمل بپوشاند، در نهایت به مرگ می‌رسد. در فیلم رها نیز وضعیت مشابهی دیده می‌شود. این موضوع قابل توجه است که با وجود تلاش سینما برای خارج کردن زنان از نقش‌های کلیشه‌ای و اعطای عاملیت

بیشتر به آنها، ساختارها به‌گونه‌ای پیش می‌رود که باز هم زنان قربانی می‌شوند. این مسئله نشان می‌دهد که حتی با وجود تغییرات ظاهری، بازنمایی زنان در سینما هنوز با چالش‌های عمیقی روبه‌رو است.

بازنمایی زنان در جشنواره فیلم فجر عمدتاً مثبت بود یا منفی؟ تا چه اندازه به واقعیت نزدیک بود؟ مثلاً در یک فیلم کاراکتر زن کنشگر بود اما در عین حال یک شخصیت منفی هم بود.

من قضاوت مثبت یا منفی نمی‌کنم اما سوالی همیشه در گوشه ذهنم است و آن این‌که شخصیت‌های زنی که در فیلم‌ها خلق می‌شوند، تا چه اندازه می‌توانند برای زنانی که این فیلم‌ها را تماشا می‌کنند، الهام‌بخش باشند. آیا این کاراکترها می‌توانند افق‌های جدیدی باز کنند یا الهام‌بخش باشند؟ یا این‌که آیا زنی که نمایش داده می‌شود از جامعه عقب‌تر است یا نه؟ پرسش من همیشه این است که آیا زنی که تصویر می‌شود، زنی پیشرو و الهام‌بخش است یا زنی که عقب‌تر از زنان جامعه قرار دارد؟

تصور من در مورد اکثر کاراکترهای زنی که در فیلم‌های این جشنواره دیدم این است که اینها الهام‌بخش نیستند و خیلی پیشرو به نظر نمی‌رسند، زیرا معمولاً سرنوشت آنها به قربانی شدن ختم می‌شود. شاید تنها یک یا دو کاراکتر زن داشته باشیم که واقعا می‌توانند الهام‌بخش باشند، مانند فیلم‌های خاتون یا شوهر ستاره. در فیلم شوهر ستاره، با وجود مشکلات متعددی که آن زن با آنها روبه‌رو است، تلاش می‌کند تا زندگی‌ای که به دنبال آن است و برایش ایده‌آل محسوب می‌شود را برای خود بسازد. این تلاش او ارزشمند است و کاری است که انجام می‌دهد.

برای بهبود بازنمایی زنان در سینما، چه پیشنهادها و راهکارهایی به نظرتان می‌رسد؟

براساس آنچه گفتیم، به نظر می‌رسد که سینما به سمت خلق زنانی کنشگر و فعال حرکت می‌کند اما هنوز نتوانسته زنانی الهام‌بخش، پیشرو و قدرتمند برای جامعه خلق کند. زنان کنشگر در فیلم‌ها اغلب در پایان داستان به مرگ یا قربانی شدن می‌رسند و این تصویر مناسبی از زن انتخابگر و کنشگر ارائه نمی‌دهد. این رویکرد خوب نیست. ما باید بتوانیم

باتوجه به تخصصی شما در حوزه مطالعات زنان، به عنوان یک کارشناس، ارزیابی‌تان از شیوه بازنمایی زنان در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر چیست؟

به نظر من، فیلم‌های این جشنواره را می‌توان ابتدا به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد و سپس در مورد نحوه بازنمایی زنان در هر یک از این دو دسته توضیح داد. دسته اول، شامل فیلم‌های ژانر دفاع مقدس و فیلم‌های تاریخی است و دسته دوم، فیلم‌های اجتماعی روز را دربر می‌گیرد. بازنمایی زنان در این دو دسته متفاوت است. در فیلم‌های دسته اول، یعنی فیلم‌های جنگی و تاریخی، زنان معمولاً غایب هستند. برای مثال، در فیلم‌هایی که به زندگی شهدا می‌پردازند، اگرچه می‌دانیم که همسران شهدا نقش‌های مؤثری داشته‌اند اما در این فیلم‌ها حضور زنان بسیار کم‌رنگ است. معمولاً در این فیلم‌ها، زنان تنها در چند صحنه محدود به عنوان همسرانی خانه‌دار یا پشتیبان دیده می‌شوند. این موضوع یکی از مشکلاتی است که در ژانر فیلم‌های دفاع مقدس و تاریخی با آن مواجه هستیم؛ یعنی زنان در این ژانرها اغلب غایب هستند. با این حال، امسال در جشنواره اتفاق جالبی رخ داد. در دو فیلم تاریخی امسال، یعنی بازی خونی و شمال از جنوب غربی، که به گروه‌های فعال در ابتدای انقلاب می‌پردازند، ضدقهرمان‌ها به اصطلاح بدم داستان یک زن است. این زن به عنوان سرکرده گروهک‌ها، جنایاتی را مرتکب می‌شود. این نوع بازنمایی، نگاه جدیدی را به نمایش می‌گذارد که در آن یک زن کنشگر و بسیار تأثیرگذار خلق شده است. با این حال، مشکلی که من با این فیلم‌ها دارم، این است که اگرچه زن به عنوان یک شخصیت فعال و مؤثر نشان داده می‌شود اما زنانگی او در نقش و موقعیتی که برعهده دارد، هیچ تأثیری ندارد. به عبارت دیگر، اگر این شخصیت را به جای یک زن، یک مرد در نظر بگیریم، هیچ تغییری در داستان ایجاد نمی‌شود، زیرا زنی که در این فیلم‌ها نمایش داده می‌شود، فاقد ویژگی‌های زنانگی است. مثلاً شما انتظار دارید که اگر زنی در موقعیتی خاص قرار بگیرد، فرزندش برایش اهمیت داشته باشد، چون او یک مادر است. یا مثلاً انتظار دارید که کمتر دست به کشتار بزند، زیرا زنانگی با مفهوم زندگی، زندگی بخشی و زایش مرتبط است. بنابراین انتظار دارید که تعداد کمتری از افراد توسط او کشته شوند اما در فیلم‌ها می‌بینید که شخصیت زن دقیقاً مانند مردان رفتار می‌کند که به نظر من این اتفاق نیست. در این زمینه همان‌طور که پیش از این گفتم، می‌توان فیلم‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول، فیلم‌های جنگی و تاریخی که در آنها زنان یا غایب‌اند یا اگر حضور دارند، رفتارشان مشابه مردان است. دسته دوم، فیلم‌های اجتماعی روز که در آنها حضور فیلم‌هایی با محوریت زنان یا قهرمانان زن به‌طور کلی کم است. با این حال، در ژانر اجتماعی، شاهد فیلم‌هایی هستیم که زنان قهرمان اصلی هستند یا به مسائل زنان پرداخته می‌شود. در این دسته از فیلم‌ها، زنانی که سعی می‌کنند کنشگر و انتخابگر باشند، به‌ویژه در فیلم‌هایی که قهرمانان‌شان دختران جوان هستند مانند فیلم‌های «زیبا صدایم کن»، «رها»، «چشم بادمی»، باوجود تلاش‌شان برای کنشگری، در نهایت قربانی می‌شوند. این بازنمایی به نظر عجیب می‌آید. به این معنا که پس از سال‌ها انتقاد از سینما به دلیل عدم خلق شخصیت‌های زن کنشگر، حالا که زنانی کنشگر و انتخابگر خلق می‌شوند، باز هم در نهایت قربانی می‌شوند؛ مثلاً در فیلم رها شاهد این اتفاق هستیم. تنها تعداد معدودی از فیلم‌ها وجود دارند که در آنها زنان انتخابگر هستند و پایانی خوب نیز دارند. ازجمله این فیلم‌ها می‌توان به «شوهر ستاره»، «زیبا صدایم کن» و «خانی» اشاره کرد. در این فیلم‌ها، زنانی که انتخابگر هستند، قربانی نمی‌شوند و به اهداف خود دست می‌یابند اما در بیشتر فیلم‌های دیگر مانند «پیرس»، «رها»، «ماریا» یا حتی «مرد آرام»، زنانی که سعی می‌کنند انتخابگر باشند، در نهایت به نوعی قربانی می‌شوند یا مجبور می‌شوند بین بد و بدتر انتخاب کنند. این بازنمایی از زنان در این فیلم‌ها به نظر نادرست و محدودکننده می‌آید.